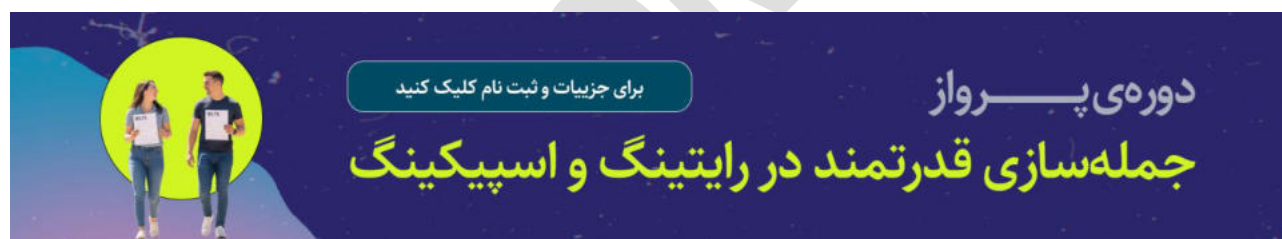




AWL SUBLIST 10

Proficiency & Mastery II:
The Final Set

کلیک کنید تا محصولات و خدمات آیلتس لمون را ببینید:



Adjacent

(Adjective)

همنشین‌ها

Adjacent to

مجاور با / چسبیده به

Immediately adjacent

بلافاصله در کنار

Adjacent angles

زوایای مجاور (ریاضی)

ابعاد معنایی

(Next to) همجوار / مجاور

The building adjacent to the bank.

کاربرد در موقعیت

این کلمه رسمی‌تر از "Next to" است. در هتل‌ها، اگر اتاق‌ها به هم راه داشته باشند، **adjoining** هستند، اما اگر فقط دیوار به دیوار باشند، **adjacent** هستند. زمین‌های کشاورزی که کنار هم هستند، **adjacent lands** نامیده می‌شوند.

چالش ترجمه و تحلیل

We stayed in the adjacent room.	۱. ما در اتاق مجاور ماندیم.
The school is adjacent to the park.	۲. مدرسه مجاور پارک است.
Adjacent angles.	۳. زوایای مجاور (هندسه).
Adjacent areas.	۴. مناطق همجوار.
The adjacent building.	۵. ساختمان چسبیده (مجاور).
Parking is immediately adjacent to the stadium.	۶. پارکینگ درست کنار (مجاور) استادیوم است.
Adjacent is more formal.	۷. (تفاوت) Next to (عامیانه) vs Adjacent (رسمی).
Adjacent teeth.	۸. دندان‌های کناری.

مأموریت نهایی

What is adjacent to your house?

ساختمان یا مغازه "Adjacent To" (مجاور) خانه شما چیست؟

مفهوم

همنشین‌ها

Albeit briefly

اگرچه کوتاه / هرچند مختصر

Albeit slowly

هرچند به کندی

Small albeit important

کوچک اما مهم

اگرچه / هرچند (Although - Formal)

He smiled, albeit nervously.

کاربرد در موقعیت

این کلمه بسیار شیک و آکادمیک است. به جای "Although it was..." می‌توانید بگویید "...albeit...". معمولاً برای کاهش اثر جمله قبلی استفاده می‌شود. مثال: "پیشرفت حاصل شد، هرچند (albeit) کند بود."

چالش ترجمه و تحلیل

He accepted, albeit reluctantly.	۱. او پذیرفت، هرچند با اکراه.
It's a step forward, albeit a small one.	۲. این یک قدم به جلوس، هرچند کوچک.
Things have improved, albeit slowly.	۳. اوضاع بهتر شده، هرچند به کندی.
He smiled, albeit nervously.	۴. او لبخند زد، اگرچه عصبی بود.
A brave, albeit unsuccessful, attempt.	۵. تلاشی شجاعانه، هرچند ناموفق.
Usually + Adj/Adv/Phrase.	۶. (ساختار) Albeit معمولاً قبل از صفت یا قید می‌آید.
Meaning "although it be".	۷. (ریشه) All + be + it.
I helped him, albeit unwillingly.	۸. من به او کمک کردم، هرچند با بی‌میلی.

مأموریت نهایی

Describe yourself using "albeit".

یک ویژگی خودتان را توصیف کنید: "I am ..., albeit ..." (مثلاً: مهربان، هرچند گاهی عصبانی).

Assemble

assembly, assembled, assembling

همنشین‌ها

Assembly line

خط تولید (مونتاژ)

General Assembly

مجمع عمومی (سازمان ملل)

Assemble evidence

جمع‌آوری شواهد

ابعاد معنایی

۱. مونتاژ کردن / سر هم کردن (Parts)

Assemble the furniture.

۲. گردهم آمدن / جمع شدن (People)

The students assembled in the hall.

کاربرد در موقعیت

مبلمان ایکیا (IKEA) را باید خودتان در خانه **assemble** (سرهم) کنید. در مدرسه، مراسم صبحگاهی را **assembly** می‌گویند. کارخانه‌های ماشین‌سازی دارای **assembly lines** هستند که کارگران قطعات را روی هم سوار می‌کنند.

چالش ترجمه و تحلیل

The crowd assembled in the square.	۱. جمعیت در میدان جمع شدند.
Car assembly line.	۲. خط مونتاژ خودرو.
This table is easy to assemble .	۳. سرهم کردن (مونتاژ) این میز راحت است.
The UN General Assembly .	۴. مجمع عمومی سازمان ملل.
Police assembled the evidence.	۵. پلیس شواهد را جمع‌آوری کرد.
Freedom of assembly .	۶. آزادی تجمعات.
To disassemble / take apart.	۷. (متضاد) باز کردن (Disassemble).
Assembly plant.	۸. کارخانه مونتاژ.

مأموریت نهایی

Do you like assembling things?

آیا از "Assembling Furniture" (سرهم کردن وسایل) لذت می‌برید یا کلافه می‌شوید؟